

کلیدواژه: نماز جماعت، اسلام، کمال، مناسک.

پرسش: علت اصرار و تأکید بر نماز جماعت در اسلام چیست؟

پاسخ: احکام و دستورات دین اسلام در دو حوزه قابل اجراست. برخی از آنها در محدوده اعمال فردی و برخی دیگر در حوزه مسائل اجتماعی است. اسلام برای تحقق بخشیدن به حیات اجتماعی خود، نیاز به وجود و استقرار مناسکی دارد که توسط آن بتواند قدرت اجتماعی برای خود پدید آورد. این مناسک در عین این که در تقرب انسان به خداوند اثرگذار هستند، دارای بعدی اجتماعی بوده که به وسیله آن قدرت اجتماعی و اتحاد میان مسلمانان را بیشتر کرده و هم این که می توانند اثر تبلیغی در مقابل غیرمسلمانان داشته باشند. از مناسکی که برای پیریزی این هدف قرار داده شده، نماز جماعت است.

فهرست مندرجات

- ۱ - دین در زندگی انسان
 - ۱.۱ - نقش دین در زندگی فردی
 - ۱.۲ - نقش دین در زندگی اجتماعی
- ۲ - راهکارهای تحقق دین در زندگی اجتماعی
 - ۲.۱ - حج
 - ۲.۲ - نماز جماعت
- ۳ - هدف اسلام از برپایی نماز جماعت
- ۴ - نماز جماعت در قرآن
 - ۴.۱ - آیه ۴۳ سوره بقره
- ۵ - نماز جماعت در روایات
 - ۵.۱ - روایتی از پیامبر اعظم
 - ۵.۲ - روایتی از امام صادق
 - ۵.۳ - روایتی از امام رضا
 - ۵.۳.۱ - اول
 - ۵.۳.۲ - دوم
 - ۵.۳.۳ - سوم
 - ۵.۳.۴ - چهارم
 - ۵.۴ - روایتی دیگر از امام صادق
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

دین در زندگی انسان

[ویرایش]

در یک نگاه می توان نقش دین در زندگی انسان ها را به دو بخش تقسیم کرد:

← ۱. نقش دین در زندگی فردی

دین وسیله‌ای است برای تقرب انسان به خداوند؛ تا در نهایت، انسان به کمال خود برسد. دین در این رویکرد، نقشی فردی داشته و محدوده آن نیز تنها در زندگی فردی می‌باشد. البته امروزه برخی از افراد، دین را محصور در این قسم کرده و در مقابل قسم دوم که ذکرش خواهد آمد، هیچ نقش اجتماعی به دین نداده و آن را تنها در محدوده فردی وارد می‌کنند.

← ۲. نقش دین در زندگی اجتماعی

در این بخش نیز دین تلاش می‌کند انسان را به کمال واقعی خویش برساند؛ منتها در این بخش، قدم از زندگی فردی فراتر نهاده و تبلور اجتماعی متنوعی خواهد داشت. دین در عرصه‌های مختلف حضور دارد؛ گاه کم و گاه زیاد.

راهکارهای تحقق دین در زندگی اجتماعی

[ویرایش]

به اعتقاد ما، اسلام دینی است که در هر دو عرصه، وارد شده تا در نهایت انسان را به کمال واقعی خود برساند و بیان جزئیات آن از موضوع این نوشتار خارج است. اما اسلام برای تحقق بخشیدن به قسم دوم نیاز به وجود و استقرار قدرت اجتماعی برای خود دارد. اسلام برای این‌که بتواند حیات جمعی خود را پدید بیاورد و آن را استحکام بخشد، لازم است تدابیری بیندیشد که هم حیات اجتماعی مناسب دینی را پدید آورد و هم تبلیغ و نمایشگاهی برای نشان دادن قدرت و اتحاد مسلمانان و همچنین جذب افراد غیرمسلمان باشد.

← ۱. حج

برای رسیدن به این قدرت و حیات اجتماعی، راهکارهایی بیان شده است. یکی از مهم‌ترین آنها حج می‌باشد. حج با این‌که مسئله عبادی مهمی است، در عین حال عملی است در جهت نشان دادن و احیای قدرت و حیات اجتماعی اسلام در میان مسلمانان و غیرمسلمانان که تفصیل آن بحثی مفصل را می‌طلبد.

← ۲. نماز جماعت

از راه‌کارهای دیگری که برای پیریزی این هدف در اسلام قرار داده شده، نماز جماعت است. نماز جماعت در عین این‌که یک مسئله عبادی بسیار مهم و تأثیر گذاری است، هدفهایی را در درون خود نهاده است و آن احیا و نشان دادن روح جمعی اسلام در میان مسلمانان و همچنین ایجاد تبلیغ برای دیگران در قدرت اجتماعی اسلام است.

هدف اسلام از برپایی نماز جماعت

[ویرایش]

اسلام با برپایی نماز جماعت، در پی آن است که میان مسلمانان اتحادی را به وجود آورد و روح جمعی را در میان آنها بپروراند. بر إقامة نماز جماعت دستورات مختلفی وجود دارد.

نماز جماعت در قرآن

[ویرایش]

← آیه ۴۳ سوره بقره

از جمله آنها آیه‌ای در قرآن است که دستور به خواندن نماز به جماعت داده است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»؛ «و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و همراه رکوع‌کنندگان رکوع کنید (که نماز خواندن با جماعت) محبوب خداست».^[۱]

از جمله احتمالاتی که در مورد «ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» ذکر شده است، امر به اقامه نماز جماعت می‌باشد.^[۲]

نماز جماعت در روایات

[ویرایش]

در روایات نیز اصرار بسیاری بر شرکت در نماز جماعت و تقدم آن بر نماز فرادا وجود دارد:

← روایتی از پیامبر اعظم

پیامبر اسلام - صلی‌الله‌علیه‌وآله - می‌فرماید: «کسی که به سمت مسجدی از مساجد حرکت کند، به هر قدمی که در راه رسیدن به مسجد برمی‌دارد، ده حسنه برای او نوشته می‌شود و ده گناه و زشتی از او محو و نابود می‌گردد. همچنین کسی که بر نماز جماعت خود پایدار و ثابت قدم باشد، چون برق زودگذر و جهنده همراه با گروهی از سبقت‌گیرندگان، از پل صراط عبور می‌کند و صورتش روشن‌تر از ماه شب چهارده خواهد بود و برای هر روز و شبی که در آن بر خواندن نماز به جماعت اصرار ورزد، ثواب شهید را خواهد داشت. همچنین کسی که بر خواندن نماز در صف اول اصرار ورزد، به مانند مؤذن اجر خواهد داشت و خداوند در بهشت به او مانند ثواب مؤذن را اعطا خواهد کرد».^[۳]

← روایتی از امام صادق

این اهمیت تا جایی بوده که در برخی از روایات برای جماعتی که بدون لباس و به صورت عریان هستند نیز، راه‌هایی در اقامه نماز جماعت بیان شده است:

از امام صادق - علیه‌السلام - پرسیده شد: گروهی در راه مورد سرقت قرار گرفته و لباس‌هایشان به سرقت رفته است و لخت و عریان مانده‌اند تا این‌که وقت نماز می‌شود. چگونه این گروه باید نماز خود را اقامه کنند؟ امام - علیه‌السلام - فرمود: «...امام جماعت با ایما و اشاره رکوع و سجود خود را انجام دهد و دیگران نیز با حرکت سر، رکوع و سجود خود را انجام دهند».^[۴] [۵]

با توجه به اهمیتی که برای اقامه نماز جماعت ذکر شد، حکمت‌هایی نیز در روایات بیان شده‌است.

← روایتی از امام رضا

امام رضا - علیه‌السلام - در بیانی، حکمت‌هایی را برای نماز جماعت بر می‌شمرند که آن روایت با کمی توضیح در ذیل می‌آید:

← ← اول

نماز جماعت بدان جهت قرار داده شده است تا اخلاص، توحید، اسلام و عبادت خدا همه و همه ظاهر و آشکار باشد؛ زیرا که با این

← ← دوم

همچنین باید احکام اسلام آشکارا عملی شوند و بر انجام دادن آنها مراقبت کنند، تا منافقان و سست دینان نیز وادار به عمل گردند و آنچه را به زبان بدان اقرار کرده‌اند، به‌جای آورند.

← ← سوم

برای آن‌که گواهی دادن مردمان به مسلمانی یکدیگر ممکن باشد.

← ← چهارم

گذشته از مساعدت در نیکوکاری و تقوا و جلوگیری از بسیاری از نافرمانی‌ها و گناه‌ها که با حضور در جماعت همراه است.^[۶].....

← روایتی دیگر از امام صادق

مورد سوم در این روایت که مختصر بیانی از آن شد، در روایت دیگری به‌صورت کاملاً مفصل بیان شده است: امام صادق . علیه‌السلام . فرمود: «نماز جماعت به این جهت قرار داده شده است تا نمازگزار از غیرنمازگزار و کسی که رعایت و حفظ اوقات نماز را نموده از کسی که اینها را ضایع می‌کند، ممتاز گردد و اگر جماعت نبود، برای احدی ممکن نبود کسی بتواند در حق دیگری شهادت به صلاح و خوبی دهد؛ زیرا کسی که نمازش را با جماعت نخواند، پس بین مسلمانان نمازی برای او نیست؛ چه آنکه رسول خدا . صلی‌الله‌علیه‌وآله . فرمودند: کسی که در مسجد نمازش را به مسلمانان نخواند، نمازش، نماز نیست؛ مگر آنکه سبب و علتی داشته باشد».^[۷].....

پانویس

[ویرایش]

۱. ↑ بقره (۲)، آیه ۴۳.
۲. ↑ طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه: بلاغی، محمد جواد، ج ۱، ص ۲۱۴، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۳. ↑ شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۹۱، دارالشریف الرضی للنشر، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۴. ↑ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۵۱، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۵. ↑ شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۳۷؟؟؟، دارالشریف الرضی للنشر، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۶. ↑ شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۲، کتاب‌فروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۷. ↑ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۲۹۳، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.